

## بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

فریبا اسدی

### اشاره

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آمریکا مهمترین متحد ایران شد. این اتحاد، باعث وابستگی روزافزون ایران به آمریکا و آغاز سلطه گری آن کشور در ایران گردید. به قدرت رسیدن جیمی کارتر در آمریکا، به شکل بسیار واضحی به شعار انتخاباتی او، یعنی «سیاست حقوق بشر»، پیوند تنگاتنگی دارد. با مطرح شدن این سیاست از سوی او، فصل تازه ای در روابط آمریکا و ایران دوران پهلوی گشوده شد. قبل از روی کار آمدن کارتر، اتهاماتی در زمینه های مختلف از جمله فساد داخل دولت، اختناق و سرکوب ساواک و عدم احترام به مذهب اکثریت مردم در ایران، به رژیم شاه وارد بود و تقاضا برای ایجاد فضای باز سیاسی و احترام به قانون اساسی از سوی مردم وجود داشت. از آنجایی که دوران ریاست جمهوری کارتر، مقارن با آزاد شدن نیروی مخالفان در ایران و پایان رژیم پهلوی است، عده ای بر این عقیده هستند که به دلیل روابط تنگاتنگ دو کشور سیاست حقوق بشر کارتر تأثیر مستقیمی بر سقوط رژیم پهلوی داشته است. این که سیاست مورد نظر چگونه و در چه فضایی مطرح شد و چه بازخوردی در ایران داشت، سئوالی است که سعی می شود در این نوشتار به آن پاسخ داده شود. در قسمت اول، درباره فضای سیاسی قبل از انتخابات در آمریکا و سیاست خارجی کارتر توضیحاتی ارائه می شود. در قسمت دوم، نگاهی به سیاست خارجی کارتر در قبال ایران و واکنش شاه به انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا داریم و در قسمت آخر، رویکردی که کارتر، شاه و انقلابیون به حقوق بشر داشتند مورد بررسی قرار می گیرد.

### فضای سیاسی قبل از انتخابات سال ۱۹۷۶ در آمریکا

انتخابات ریاست جمهوری در بسیاری از کشورها متأثر از وضع سیاسی جهان است. بالطبع، انتخابات سال ۱۳۵۵ ش/۱۹۷۶ م در آمریکا نیز از حوادث مهم خارجی و داخلی زمان خود تأثیر پذیرفت. (۱) در زیر به بررسی این وقایع می پردازیم.

#### الف) شکست آمریکا در ویتنام

آمریکا بعد از شکست در ویتنام، وجهه ی بین المللی خود را تا حدی از دست داده بود. (۲) نتیجه ی جنگ، معرفی آمریکا در دنیا به عنوان یک قدرت متجاوز و جنگ طلب بود. بنابراین، لازم بود بازگشتی به سیاست های بشردوستی و طرفداری از دموکراسی صورت بگیرد. (۳)

#### ب) کنفرانس هلسینکی

در این کنفرانس که در سال ۱۳۵۴ با شرکت ۳۵ دولت برگزار شد، تصمیمات مهمی درباره اجرای مقررات حقوق بشر در جهان اتخاذ گردید (۴) با جو مساعدی که در زمینه توجه به حقوق انسانی و نوع دوستی پیش آمد، سیاست حقوق بشر پاسخی به افکار عمومی جهانی بود. (۵)

#### ج) رسوائی واترگیت (۶)

در پایان اولین دوره ریاست جمهوری نیکسون، فاش شد او در جریان مبارزات انتخاباتی، فعالیت های سیاسی و انتخاباتی حزب رقیب را به طور غیرقانونی رصد می کرده است. این حادثه رسوایی واترگیت نام گرفت و موجب استعفای نیکسون شد. (۷) یکی از پیامدهای آن، از بین رفتن اعتماد مردم به نهاد ریاست جمهوری بود. (۸) از آنجا که نیکسون یک جمهوری خواه بود، این ماجرا به حزیش ضربه زد و راه را برای روی کار آمدن فردی از حزب دمکرات هموار نمود. (۹)

### سیاست خارجی کارتر

کارتر مدعی بود می خواهد اخلاقیات را وارد صحنه بین المللی سازد و آن را ناشی از باورهای مذهبی خود می دانست. (۱۰) او در این زمینه بر ارزش های بنیادین آمریکایی تکیه کرد و برخی روش های سابق در سیاست خارجی را تا حدی دگرگون ساخت. (۱۱) می توان گفت در سیاست خارجی مدعی حمایت از گسترش صلح و ثبات بود و تشدید جنگ سرد با کمونیسم، همانند دمکرات های قبل از خود جان. اف. کندی و لیندون. بی. جانسون، علاقه نداشت. (۱۲) کارتر دکترینی ارائه داد که به «سیاست حقوق بشر» معروف گردید. این سیاست، دارای

دو بُعد سیاسی و نظامی بود:

بُعد سیاسی آن، نمایش احترام و رعایت حقوق انسان ها و عدم حمایت آشکار از حکومت هایی بود که علناً حقوق بشر را نقض می کردند؛ و بُعد نظامی آن، تظاهر به محدودیت فروش اسلحه به کشورهایی بود که از لحاظ رعایت حقوق بشر خوشنام نبودند. در نزد کارتر این دو هدف لازم و ملزوم یکدیگر بود. برای اثبات توجه به حقوق بشر باید سیاست های فروش اسلحه را تغییر می داد.

### توجه به حقوق بشر

همان طور که گفته شد، کارتر در مسائل مربوط به سیاست خارجی خود را پایبند به اخلاقیات نوینی نشان می داد. «او اعلام کرد که هر سیاستی که دیکتاتوری را تقویت کند و یا موجب افزایش پناهندگان شود، هر سیاستی که نارضایتی مردم را برانگیزد و به عدالت اجتماعی لطمه زند، موجب تضعیف اقتدار ایالات متحده خواهد شد.» (۱۳) کارتر بقدری به این مسئله اهمیت می داد که در سال ۱۹۷۷/م ۱۳۵۶ ش گفت: «حقوق بشر، روح سیاست خارجی ماست.» (۱۴) به نظر می رسد که این جمله قرار بود ضامن اجرایی حقوق بشر باشد. درباره ی ارتباط حقوق بشر در روابط آمریکا با کشورهای دیگر، کارتر در مراسم تحلیف خود در ۲۰ ژانویه ۱۹۷۶ گفت: «اخلاقیات ایجاب می کند که برای جوامعی ارجحیت قائل شویم که در رعایت حقوق بشر با ما سهیم هستند.» (۱۵) اما به نظر می رسد دخالت آمریکا در کشورهای دیگری که با بحران دموکراسی و حقوق بشر روبرو بودند، با انگیزه ی سیاسی بهره جویانه همراه بوده است. (۱۶) توجه او به مسئله حقوق بشر، بیشتر توجیه سیاسی داشت. «دولت کارتر استدلال می کرد که هم پیمانان آمریکا در جوامع جهان سوم در واقع با ترویج حقوق بشر خود را از نظر سیاسی قوی می کنند.» (۱۷)

سایروس ونس

## محدودیت فروش اسلحه

یک بخش مهم از تأکید بر حقوق بشر، تبلیغات وسیع برای محدودسازی معاملات تسلیحاتی آمریکا بود. (۱۸) کارتر، برای این که خود را در اجرای آن مصمم نشان دهد، برنامه‌ی محدودیت فروش اسلحه را اعلام نمود. او در نطق افتتاحیه اش گفت «هدف نهایی اش برداشتن سلاح های هسته ای از روی کره زمین است.» وی می خواست نشان دهد که به سرعت به محدود کردن فروش سلاح می پردازد و حتی اگر هم نتواند تکیه آمریکا بر تجارت اسلحه را از بین ببرد، حداقل از آن می کاهد، و نمی خواست آمریکا تاجر سلاح جهان باقی بماند.» (۱۹) در سیاست های اعلام شده تبلیغاتی قرار بود کشورهایی که حقوق بشر را نقض می کردند از مزایای روابط نظامی و دیپلماتیک آمریکا محروم شوند. (۲۰)

## سیاست خارجی کارتر در قبال ایران

سیاست خارجی کارتر برای ارتباط با ایران اتخاذ کرد، منهای ابعاد تبلیغاتی مسئله حقوق بشر و محدود شدن فروش اسلحه، تغییر چندانی نکرد. ونس در این باره می گوید: «اصول سیاست حکومت کارتر در رابطه با ایران مبتنی بر سیاست کلی آمریکا در ایران طی سال های بعد از جنگ دوم جهانی بود.» (۲۱) «اما در روابط فیما بین، در دو مورد حقوق بشر و فروش اسلحه به ایران ما نظریات متفاوتی نسبت به حکومت های گذشته داشتیم.» (۲۲) برنامه‌ی آمریکا در این مقطع این بود که «به سود اصلاحات در ایران تلاش هایی به خرج دهند و سعی کنند رعایت حقوق بشر را با ادامه‌ی مناسبات سودمند با تهران تلفیق کنند...» (۲۳) می توان گفت سیاست خارجی کارتر در برابر ایران، از تلفیق سیاست خارجی جدید او و سیاستی که سالها از سوی آمریکا در برابر ایران اعمال می شد، ساخته شد. اینها تعهدات متناقضی بودند که کارتر در برابر ایران بر عهده گرفت. (۲۴) به زودی منافعی که آمریکا در ایران جستجو می کرد، مهم تر از سیاست حقوق بشر تلقی شد.

ونس، چهار دلیل برای ادامه‌ی سیاست سابق آمریکا در قبال ایران ذکر می کند:

۱. با در نظر گرفتن خلیج فارس به عنوان منبع نفت، ایران عامل مهمی در ثبات منطقه است.
۲. ایران به وسیله قدرت نظامی که در اختیار دارد باعث تأمین امنیت کشتی های حامل نفت در خلیج فارس می شود.
۳. با قدرتی که ایران دارد، می تواند مانع خوبی در برابر «مقاصد توسعه طلبانه‌ی شوروی» باشد.
۴. نفوذ ایران در سازمان اوپک تأثیر مستقیمی بر اقتصاد آمریکا دارد. (۲۵)

اینها تقریباً همان سیاستی بود که کارتر قبل از ورود سولیوان به ایران برای او تشریح کرد. (۲۶) کارتر و تیمی که با او کار می کردند به اهمیت ایران برای آمریکا واقف بودند. با این حال در ابتدای کار مایل نبودند از اهداف سیاست خارجی اعلام شده خود آشکارا صرف نظر کنند. قرار شد رابطه استراتژیک آمریکا با ایران حفظ شود و در عین حال، آن دو هدف هم در جای خود در ایران پیگیری شود. (۲۷) با توجه به ژست نگرانی کنگره راجع به وضعیت حقوق بشر در ایران، در صورت ادامه این کنگره و افکار عمومی در آمریکا مشکلاتی در روابط استراتژیک با ایران ایجاد می کردند. در آمریکا، کارتر و مشاورانش از عکس العمل شاه آگاه بودند. با وجود این، عدم رعایت اصول حقوق بشر در ایران را، مانعی در روابط دو کشور قلمداد نمی کردند. (۲۸) ونس می گوید: «ما نمی خواستیم از این موضوع به عنوان یک حربه‌ی سیاسی استفاده کنیم.» (۲۹) «نیکسون، فورد و کیسینجر معتقد بودند اعمال فشار به شاه به خاطر اصلاحات داخلی، به طور خطرناکی به استراتژی عمده آمریکا لطمه می زند.» (۳۰) کیسینجر در این باره معتقد بود: «هنگامی که سیاست بیش از حد اخلاقی شود ممکن است جنبه‌ی رویایی و خطرناکی به خود بگیرد...» (۳۱) در مقابل، کارتر اعتقاد داشت

سیاست وی مانع بروز انقلاب در کشورهای وابسته به آمریکا است. (۳۲) کارتر، از وجود شکنجه و آزار و اذیت مخالفین سیاسی به دست ساواک و به طور کلی اوضاع داخلی ایران مطلع بود. (۳۳) او در مرحله ی آخر تبلیغات انتخابات اعلام کرد آمریکا باید برای حفظ آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم ایران تلاش کند. (۳۴) این برخوردها از چشم تیزبین گروهی از مخالفان شاه دور نمی ماند. آنها به این اخطارها توجه داشتند مهدی بازرگان در جایی گفته بود، اعلام سیاست حقوق بشر کارتر برای وی و همفکرانش قوت قلب و مایه ی دلگرمی بوده است. (۳۵) با این که مخالفان از این فرصت بهره برداری کردند اما اکثراً به صداقت آمریکا و کارتر اعتقاد نداشتند و حتی یکی از دلایلی که منجر به انقلاب شد مخالفت آنها با وابستگی شاه به آمریکا بود. (۳۶) هدف کارتر، هر چه که بود، برخی مخالفان را امیدوار ساخت که او اجازه نخواهد داد در ایران اعمالی مخالف و در تضاد با حقوق بشر صورت بگیرد. (۳۷) کارتر گمان می برد عدم رضایت در ایران، در اصل، منشأ اقتصادی دارد و با بالا رفتن سطح زندگی، گروه های مخالف در پی مشارکت در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورشان هستند. (۳۸)

### واکنش شاه به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

شاه قبل از این که از برنامه ی انتخاباتی کارتر آگاه شود، نسبت به روی کار آمدن او حساس بود. سابقه ی روابط ایران و آمریکا در حکومت شاه و شناختی که او نسبت به دو حزب دمکرات و جمهوری خواه در کشور آمریکا داشت، باعث می شد او جمهوری خواهان را به دمکرات ها ترجیح بدهد. (۳۹) او سابقاً با جان. اف. کندی دمکرات دچار مشکل شده بود و می ترسید کارتر هم مثل کندی از او تقاضای اصلاحات بکند. (۴۰) شاه، آشکارا از این که جرالد فورد در انتخابات بر کارتر پیروز شود، اظهار خوشحالی کرده بود. (۴۱) اکثر کسانی که در آن روزها در ایران بر مسند کار بودند، از نگرانی شاه نسبت به انتخابات آمریکا اطلاع داشتند. از جمله هوشنگ انصاری (وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی) طی ملاقاتی در اواسط مرداد ۱۳۵۵ به پرویز راجی، سفیر شاه در لندن، گفت: «اعلیحضرت نگران است مبادا جیمی کارتر افکاری مشابه نظرات کندی در سر بیوراند و ترجیح می دهد فورد دوباره رئیس جمهور آمریکا شود.» (۴۲) شاه سعی خود را به کار گرفت تا جرالد فورد، رئیس جمهوری که بر سر کار بود، پیروز شود. (۴۳) او حتی برای این که جرالد فورد در حین انتخابات به دردمس نیفتد، از افزایش قیمت نفت جلوگیری کرد. (۴۴) در راستای کمک به ریاست جمهوری فورد، اردشیر زاهدی از سوی شاه وظیفه داشت با تزریق پول به ستاد تبلیغات فورد، شرایط روی کار آمدن او را فراهم نماید. (۴۵) بعد از انتخابات، در محافل سیاسی آمریکا شایع شد که این مبلغ حدود صد و بیست میلیون دلار بوده است. (۴۶) زاهدی، بعدها تلویحاً بر این امر صحنه گذارد. (۴۷) در این مدت شاه مرتباً در حال یادآوری اهمیت ایران برای آمریکا بود و چند روز قبل از انتخابات در آمریکا، در سوم آبان، در این باره گفت: «در عین حال که انتخابات آمریکا تأثیری بر مناسبات دو کشور نمی گذارد، با این حال، هیچ قدرتی نیست که بتواند چیزی را به ایران تحمیل کند.» (۴۸) بعد از انتخابات، شاه که از روی کار آمدن کارتر ناراحت شده بود، (۴۹) سعی کرد خلاف آن را نشان دهد. وقتی در مصاحبه با یک مجله آمریکایی به تاریخ ۲۳ دی ۱۳۵۵ از او پرسیدند: «آیا شاهنشاه تصور می کنند که با حکومت کارتر کنار بیایند؟» (۵۰) شاه جواب داد: «ما در گذشته یعنی از زمان پرزیدنت هری ترومن، با دیگر حکومت های دمکرات کنار آمده ایم و مخصوصاً با لیندون جانسون مناسبات نزدیکی داشتیم... ما در کنگره آمریکا دوستان بسیاری داریم و از آنچه که به ما می گویند چنین برمی آید که ما می توانیم در حقیقت با حکومت کارتر همکاری داشته باشیم.» (۵۱) این عکس العمل، از ضعف شاه و وابستگی اش به آمریکا ناشی می شد. وی سعی کرد با شرایط کنار بیاید.

### رویکرد کارتر، شاه و انقلابیون به حقوق بشر

از اواخر سال ۱۳۵۴، اولین اعتراض‌ها به نقض حقوق بشر، شکنجه‌ی زندانیان و نقض حقوق مدنی در ایران از سوی سازمان عفو بین‌الملل، کمیسیون بین‌المللی قضاوت، و کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر وابسته به سازمان دفاع از حقوق بشر ابراز شد. (۵۲) در همین اوان، در نامه سرگشاده‌ی علی اصغر حاج سیدجوادی، در ۲۷ بهمن ۱۳۵۴، دولت به فساد و ایجاد خفقان در جامعه متهم شد. (۵۳) کم‌کم، نشریات معتبر خارجی به انتقاد از شکنجه‌های ساواک و عملکرد سرکوبگرانه‌ی پلیس گشودند. (۵۴) در همین زمان در کنگره‌ی آمریکا نسبت به فروش اسلحه‌ی پیشرفته به ایران تردیدهایی بروز یافت. (۵۵) ویلیام سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران، تأیید می‌کند که حکومت ایران در آن زمان از شهرت خوبی برخوردار نبود. (۵۶) شاه سعی کرد نسبت به فشارهای خارجی، که از سال ۱۳۵۴ نسبت به حکومتش آغاز شد، از خود کمی انعطاف نشان دهد. چون نمی‌خواست منافعی که در ارتباط با آمریکا و غرب داشت به خطر بیفتد و تصویری که با خرج مبالغ زیادی صرف مصلح نشان دادن خود و مدرن نشان دادن کشور کرده بود، مخدوش بشود. (۵۷) در حقیقت، شاه اصلاحاتی کوچک، به خصوص در جهت کاستن از خشونت را آغاز کرده بود که کارتر رئیس‌جمهور گردید. (۵۸) با وجود این، برخی معتقدند سیاست حقوق بشر کارتر به طور غیرمستقیم در شکل‌گیری فضای باز سیاسی در ایران بی‌تأثیر نبود. (۵۹)

ریچارد هلمز، سفیر سابق آمریکا در ایران، در یک ارزیابی سیاسی پیش‌بینی کرد به علت تغییراتی که ممکن است در آینده صورت بگیرد، امکان ایجاد تصادم و اصطکاک در روابط دو کشور وجود خواهد داشت. (۶۰) از همان موقعی که کارتر کاندیدای ریاست جمهوری شد و پس از آن، در روزهای اولیه‌ی حکومتش، کشورهای که وابسته و متحد آمریکا بودند و در عین حال سابقه‌ی خوبی در زمینه حقوق بشر نداشتند، نگران شدند. (۶۱) شاه نیز از این قاعده مستثنا نبود. صراحتی که کارتر در ابتدای روی کار آمدن در دفاع از حقوق بشر از خود نشان داد و مصمم نشان دادن او در به اجرا درآوردن آن و اعلام این که از حکومت‌های ناقص حقوق بشر، حمایت و پشتیبانی نخواهد کرد بر نگرانی شاه افزود. (۶۲) ونس بسیار شفاف، نگرانی و عدم رضایت شاه را از وضع موجود بازگو کرده است: «... مسائل مربوط به حقوق بشر از آغاز حکومت کارتر همواره بین ما و حکومت شاه مورد بحث بوده و موجب کدورت‌هایی شد. شاه از تأکید ما درباره‌ی این موضوع ناراحت بود و از اینکه بعضی از مقامات حکومت جدید آمریکا از جمله شخص پرزیدنت کارتر او را به چشم یک مستبد و ستمگر می‌نگرند خشمگین به نظر می‌رسید. شاه همچنین از انتقادات تندی که در مطبوعات آمریکا و کنگره آمریکا از وی به عمل می‌آمد عصبانی بود و نمی‌توانست قبول کند که این انتقادات لزوماً منعکس‌کننده‌ی نظریات دولت آمریکا نسبت به وی نیست.» (۶۳)

از سال ۱۹۷۶ م/۱۳۵۵ ش، ضرورت تغییر فضای سیاسی از سوی مشاوران به شاه تأکید شد. (۶۴) «شاه و نزدیکترین مشاورین او تا اواسط سال ۱۹۷۶ تصمیم گرفتند که شکستن دایره‌ی گردش خشونت، سرکوبی رژیم و تروریسم مخالفین، ضروری است.» (۶۵) شاه به چند دلیل سیاست خود را تغییر داد. او متوجه شده بود سیاست سرکوب علاوه بر زیان بار بودن، دیگر فایده و کارآمدی ندارد. با درپیش گرفتن روش بازتر و لیبرال‌تر، او می‌خواست شرایط را برای روی کارآمدن پسرش فراهم نماید. روش‌های سرکوب او، موجب واکنش‌هایی در سطح بین‌المللی شده بود و توجه جهانیان را به خود جلب کرده بود. بنابراین به توصیه‌ی مشاوران مسن خود سعی کرد از تکنوکرات‌های جوان و لیبرال بهره بگیرد. روی کارآمدن کارتر در آمریکا او را به تغییر سیاست‌های سابق مصمم‌تر ساخت. (۶۶)

سفارت آمریکا در ۱۹۷۶ م/۱۳۵۵ ش، طی گزارشی اعلام کرد شاه از نظر عقلی دادن کمی دموکراسی را پذیرفته؛ اما نه از نوع اروپایی و آمریکایی اش. در کنار آن، شاه هنوز اعتقاد داشت آمریکا به دلیل نیازهایی که به ایران دارد نمی‌تواند زیاد او را تحت فشار قرار دهد. (۶۷) همچنان که خود شاه اذعان داشت «تحقق مشارکت، اجرای اصل عدم

تمرکز، تفویض مدیریت امور عمومی به مردم، انجام انتخابات آزاد در همه سطوح، می بایست در چارچوب مشروطه ی سلطنتی جامه ی عمل بباشد.» (۶۸)

در خردادماه ۱۳۵۵، شاه تصمیم گرفت تعدادی از زندانیان را به مناسبت آغاز پنجاهمین سال سلطنت پهلوی آزاد نماید. (۶۹) در اواخر خرداد ۶۸۲ نفر (۷۰) و در اواخر مرداد ۳۰۷ نفر دیگر آزاد شدند. (۷۱) نزدیک به این زمان، ویلیام باتلر، عضو کمیسیون بین المللی حقوقدانان و رئیس انجمن آمریکایی حقوقدانان، اعلام کردند: «در ایران حقوق بشر را ساواک نقض می کند.» (۷۲)

شاه در ابتدا حاضر به واگذاری امتیازهای بیشتری نبود. استدلال او، ادعای رضایت مردم از او و حکومتش بود. او طی مصاحبه ای در ۲۷ تیر ۱۳۵۵ گفت: «تمرکز قدرت در دست من به خواست مردم ایران است.» (۷۳) راجی، سفیر ایران در لندن، در ملاقاتی با شاه سعی کرد او را ترغیب کند تا با بازدید افرادی از عفو بین الملل از زندان های معینی موافقت کند. تا این زمان هر گونه تماس با این سازمان ممنوع بود. (۷۴) شاه در جواب به راجی گفت: «اگر در باز کنیم توقعشان بالا می رود.» (۷۵) این نشان می دهد شاه تا جایی که امکان داشت، حاضر نبود در راستای آزادی و دموکراسی قدم بردارد و شرایط او را مجبور به این کار نمود.

در آمریکا، انتقاد از حکومت شاه کم کم آغاز شد. در اوایل آبان ۱۳۵۵، کاوش هایی درباره عملکرد ساواک در آمریکا شروع شد. (۷۶) در ۱۲ آبان همین سال کارتر به ریاست جمهوری آمریکا رسید. (۷۷) گزارش های مختلفی در زمینه وضعیت بد حقوق بشر در ایران منتشر شد. دفتر حقوق بشر وابسته به وزارت امور خارجه، به اعمال ساواک انتقاد و وضعیت حقوق بشر در ایران را در حد بد ارزیابی کرد. (۷۸) آندرو یانگ، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، که با کارتر دوستی نزدیک داشت، بر حقوق بشر تأکید می کرد و اهمیتی که ناظران خارجی برای گفته های او قائل بودند، باعث نگرانی شاه می شد. (۷۹) برخی مقامات آمریکایی در کمیته هایی که در کنگره به نقض حقوق بشر رسیدگی می کرد، شرکت کرده و شهادت می دادند. (۸۰) شاه، اخطارهایی از کارتر، پاتریشیا دری بن، سرپرست دفتر حقوق بشر وزارت امور خارجه و هنری پرشت، متصدی امور ایران در وزارت امور خارجه دریافت کرده بود. (۸۱) «هرچند دولت کارتر، شاه را در زمینه اجرای حقوق بشر، زیر فشار جدی قرار نداد، مع هذا، هواداری دولت جدید آمریکا از اصول حقوق بشر، این باور را در میان گروه های اپوزیسیون تقویت کرد که شاه، به توصیه و دستور واشنگتن مجبور به رعایت حقوق بشر در ایران شده است...» (۸۲)

تقریباً ۲۰ روز از ریاست جمهوری کارتر می گذشت که شاه به دفتر مخصوص خود دستور داد تا بر اعمال دولت نظارت و به بررسی نارسایی های آن پردازد. به طوری که در طی دو روز ۲۹۰۰ اداره ی بی جا منحل و تعداد کارمندان تقلیل پیدا کرد. (۸۳) «بیانیه سازمان عفو بین الملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران انتشار یافت.» (۸۴) پرویز راجی، مأموری شد تا پاسخ عفو بین الملل را بدهد. (۸۵) خود شاه در ۲۷ آذر ۱۳۵۵، طی مصاحبه با تلویزیون بی. بی. سی، اعمال شکنجه توسط ساواک را رد کرد؛ با وجود این که عفو بین الملل به تازگی آن را تأیید نموده بود. (۸۶) در اواخر دی همین سال، شاه به برخی افراد اجازه ی مذاکره با عفو بین الملل را، به شرط عدم مصالحه و ندادن هیچ گونه امتیازی، داد. (۸۷)

سفر کارتر به ایران

حرکت بعدی کارتر این بود که طی فرمانی، سقفی برای فروش اسلحه تعیین کرد و نام ایران در لیست فروش نبود. این مسئله باعث برآشفتنگی شاه شد. (۸۸) به قول جیمز بیل البته به زودی «جریان اسلحه از سوی آمریکا، افزایش فراوانی یافت» (۸۹)

شاه، آزادسازی زندانیان را همچنان در زمستان ۱۳۵۵ دنبال کرد. در اوایل بهمن ۱۷۹ نفر زندانی مشمول تخفیف در مجازات شدند. (۹۰) در اواخر بهمن، ۴۴۱ زندانی مورد عفو قرار گرفتند که از این تعداد ۱۲۴ نفر، زندانیان سیاسی بودند و با شرط نادم بودن از گذشته خود آزاد شدند. (۹۱) در اواسط اسفند نیز ۱۱۶۵ زندانی آزاد شدند. (۹۲) او «در اسفندماه به صلیب سرخ اجازه داد تا از بیست زندان و حدود ۳۰۰۰ سلول بازدید کند.» در روزهای پایانی اسفند، تلاش اردشیر زاهدی در نجات جان عده ای که از سوی گروهی مسلمان به گروگان گرفته شده بودند، مختصر و چهره ای برای شاه در آمریکا کسب نمود. (۹۴)

«کاهش خفقان و نظارت های پلیسی از اواخر سال ۱۳۵۵ آغاز شد و در تابستان سال بعد به اوج خود رسید.» (۹۵) شاه، تصمیم گرفت همگام با حقوق بشر کارتر، برنامه ی فضای باز سیاسی را مطرح کند. در کنار آن سعی شد در تبلیغات جهانی ایران را رو به توسعه و پیشرفت معرفی کنند؛ (۹۶) و همزمان کوشید امکان هر گونه انتقادی از حکومت خود را با تبلیغ سیاست لیبرالیزه کردن، کاهش دهد. (۹۷) از سوی دیگر، شاه سعی کرد در برابر سیاست حقوق بشر کارتر، سلاح تازه ای به کار برد. او طی مصاحبه ای گفت: «... اگر به تاریخ مراجعه کنیم درمی یابیم که ایران از زمان کورش کبیر (یعنی ۲۵۰۰ سال پیش) اولین کشوری بوده است که در راه دفاع از حقوق بشر گام برداشته است.» (۹۸) شاه می خواست نشان دهد که ایران در این زمینه سابقه ی بیشتری دارد. در کنار آن، شاه تعداد زندانیان سیاسی را کمتر از دو هزار نفر اعلام کرد تا به تکذیب آمار و ارقام بیشتری که در این مورد وجود داشت بپردازد. (۹۹) شاه به مرور اقدامات دیگری نیز برای کاستن از فشارهای سیاسی انجام داد. (۱۰۰) از جمله «کاهش فشار شدید سانسور و تشکیل کمیسیون ها و گروه های تحقیق مختلف برای رسیدن به شکایات و آلام مردم.» (۱۰۱) «علاوه بر این، رژیم در ده ماه اول سال ۱۹۷۷، از سه گروه حقوق بشر بین المللی - صلیب سرخ بین المللی، عفو بین المللی و کمیسیون بین المللی حقوقدانان - دعوت کرد برای بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی ایران از نزدیک، از این کشور دیدن کنند.» (۱۰۲) «شاه به نماینده سازمان عفو بین المللی قول داد وضعیت زندانها را بهبود ببخشد.» (۱۰۳) طبق گفته ی هادی غفاری (یکی از مبارزین انقلابی و فرزند آیت الله شهید غفاری)، که در این زمان در زندان به سر می برد، قبل از بازدید نمایندگان عفو بین المللی از زندان ها کمی به وضعیت زندانیان رسیدگی شد و تدابیر امنیتی اجرا شد تا زندانیان در نزد نمایندگان سازمان گله و شکایتی ابراز نکنند. (۱۰۴) در این سال، ۵۳ نفر حقوقدان نامه ی اعتراض آمیز سرگشاده ای برای کاخ سلطنتی فرستادند. (۱۰۵)

در اردیبهشت ماه ۱۳۵۶، کارتر، ونس را برای اعلام حمایت، موافقت با فروش سلاح های جدید و دعوت سفر به واشنگتن، نزد شاه فرستاد. ونس درباره مسائل مربوط به حقوق بشر از اقدامات شاه ستایش کرد و قول فروش اسلحه بیشتر را به شاه داد. (۱۰۶) شاه، پس از دیدار با نماینده ی کمیسیون بین المللی حقوقدانان موافقت کرد تا به منظور رعایت بیشتر حقوق زندانیان سیاسی، آیین های دادرسی دادگاه را اصلاح کند. (۱۰۷) «در اواسط خرداد، حزب رستاخیز اعلام کرد که از بحث های آزاد و انتقادهای سازنده استقبال خواهد کرد.» (۱۰۸)

کارتر به سفیر خود سولیوان گفت پس از ورود به ایران وملاقات با شاه ، همان خط مشی سابق آمریکا در قبال ایران را برای او ترسیم کند واین که روابط کماکان مثل سابق در همه ی زمینه ها ادامه خواهد داشت؛ فقط در رابطه با حقوق بشر سعی کند سیاست کلی خود را قدری تعدیل نماید. (۱۰۹) درملاقاتی که سولیوان با شاه داشت، سخنان کارتر را

به او منتقل کرد. (۱۱۰) سولیوان «پیشنهاد کرد که طرح‌های مربوط به اصلاحات از طریق یک سازمان غیر دولتی سوم، تسلیم شاه شود تا وجهی تحمیلی بودن این تحولات از سوی یک دولت خارجی هر چند دوست هم، مرتفع گردد.» (۱۱۱) شاه، از پیام‌هایی که کارتر توسط سولیوان برای او فرستاده بود ابراز رضایت کرد. (۱۱۲) شاه چندین بار در ملاقات با سولیوان از لزوم ایجاد یک سیستم دموکراتیک به هنگام واگذاری قدرت به پسرش سخن راند. (۱۱۳) شاه پس از ملاقات‌هایی که با ونس و سولیوان داشت، در مرداد ۱۳۵۶ پس از برکناری امیرعباس هویدا از نخست‌وزیری، جمشید آموزگار را به جای او برگزید. (۱۱۴) حدود یک ماه قبل، ونس و آموزگار در پاریس ملاقاتی با هم داشتند و احتمال می‌رود در این زمینه گفتگو کرده باشند. (۱۱۵) اردشیر زاهدی مدعی است انتصاب آموزگار به دستور مستقیم کارتر صورت گرفت. (۱۱۶)

حتی ساواک در پرونده‌های خود از آموزگار به عنوان مهره‌ای آمریکایی یاد کرده است. (۱۱۷) شاه با قبول این عمل، می‌خواست حسن نیت خود را به آمریکایی‌های دمکرات نشان دهد. (۱۱۸) و با یک خانه‌تکانی عظیم، از کنترل آشکار خود بر دولت بکاهد؛ (۱۱۹) که آن هم مطلوب آمریکا بود. او گمان می‌برد مثل سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۳۹ می‌تواند با مطرح کردن فضای باز سیاسی و وعده‌ی انتخابات آزاد، این دوره را پشت سر بگذارد. (۱۲۰) شاید می‌خواست با این کار نقشی را که در سال ۱۳۴۰ به دکتر علی‌امینی سپرد، به آموزگار واگذار کند؛ غافل از این که همه چیز تغییر کرده بود. (۱۲۱)

در همین ماه (مرداد ۱۳۵۶)، دولت قوانین اصلاح دادگاه را وضع کرد. قرار شد بیشتر محاکمه‌ها علنی باشد و امتیازاتی برای دستگیرشدگان فائل شد. (۱۲۲) شاه با اقدامات اصلاحی‌اش، موفق شد رضایت کارتر را جلب کند. (۱۲۳) او کارتر را قانع ساخت که حکومت پهلوی برای آمریکا ویژگی مهمی دارد که موضوع حقوق بشر در پایین لیست قرار گیرد. (۱۲۴) و توانست اعتماد غربی‌ها را نسبت به بهبود شرایط و اوضاع در ایران جلب کند. او سعی نمود از چهره‌ی مردمی و انسان‌دوستانه‌ی او که همسرش فرح برای خود تبلیغ کرده بود کمک بگیرد تا بتواند عقاید نامطلوبی را که درباره‌ی حکومتش پدید آمده بود، تعدیل کند. (۱۲۵) فرح نیز در مصاحبه‌های سیاسی شرکت می‌جست و از همسرش و رژیم حمایت می‌کرد. (۱۲۶) «... طی نه ماه آخر سال ۱۳۵۶ چندین نامه سرگشاده برای شاه و نخست‌وزیر و دیگر مقامات بلندپایه، در اعتراض به اوضاع کشور، ارسال شد. همچنین، دهها اعلامیه و بیانیه از سوی شخصیت‌های ملی و مذهبی، نویسندگان، هنرمندان، حقوقدانان، بازاریان و دانشگاهیان، در سراسر کشور انتشار یافت. (۱۲۷) از آن سو، «به تدریج، دهها انجمن حرفه‌ای همانند کانون حقوقدانان و کانون نویسندگان ایران فعالیت خود را از سر گرفتند و انجمن‌های جدیدی همچون انجمن دفاع از حقوق بشر ایران راه اندازی شد.» (۱۲۸) در این میان، با وجود رضایت کارتر برای فروش هواپیماهای موسوم به آواکس به شاه، این امر دچار مشکل شد. (۱۲۹) «طرفداران حقوق بشر که در جریان مبارزات انتخاباتی کارتر در کنار او بودند و چندتن از پرحرارت‌ترین آنها در وزارت امور خارجه مشغول کار شده بودند موضوع فروش هواپیماهای آواکس را برای طرح مسئله نقض حقوق بشر در ایران مورد استفاده قرار دادند. آنها مدعی بودند فروش این هواپیماها به ایران در عین حال که مبین حمایت حکومت جدید آمریکا از شاه خواهد بود، در حکم تأیید سیاست اختناق و فشار در ایران و برخلاف وعده‌های انتخاباتی درباره‌ی مراعات مسائل مربوط به حقوق بشر در سیاست خارجی آمریکاست.» (۱۳۰) نهایتاً، کارتر توانست موافقت‌کننده را جلب کند. (۱۳۱) این یکی از مواردی بود که کارتر صریحاً برخلاف اصول سیاست خارجی خود عمل کرد. «در اول آبان ۱۳۵۶، واقعه شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی و مراسم پرشکوهی که در ایران برگزار شد، نقطه‌آغازی بر خیزش دوباره حوزه‌های علمیه و قیام‌جامعه مذهبی ایران بود. امام خمینی در همان زمان به گونه‌ای

شگفت این واقعه را از الطاف خفیه الهی نامیده بود.» (۱۳۲)

در سفری که شاه در آبان ماه به آمریکا داشت (۱۳۳) کارتر در ملاقاتی خصوصی به او گفت از عدم رعایت حقوق بشر در ایران و وجود گروه‌های مخالف رژیم مطلع است و می‌خواهد که شاه در این زمینه اقدامی صورت دهد. شاه صراحتاً به کارتر جواب رد داد و دلیل آن را خطر کمونیسم در منطقه خواند. او در ادامه گفت پس از برطرف شدن این خطر شاید بتواند تغییراتی در قوانین بدهد، البته ممکن است طول بکشد. (۱۳۴) کارتر به دلیل این که مطبوعات، طغیان‌های تازه‌ی ایران را با سیاست حقوق بشر او مرتبط می‌دانستند، احساس خطر نمود و در این مورد به شاه زیاد اصرار نکرد.

کارتر همچنین مصر بود بحث با شاه درباره حقوق بشر به آرامی و با متانت باشد و از هر گونه فشار خودداری کند. (۱۳۵) در صورت مذاکرات کارتر و شاه، که کاخ سفید آن را انتشار داد، اثری از حقوق بشر دیده نشد. (۱۳۶) «بدین سان، مذاکرات واشنگتن، بی‌آنکه شاه در مورد مسئله حقوق بشر در ایران تعهدی به عهده بگیرد، پایان یافت...»

(۱۳۷) در این سفر بود که مخالفان، تظاهراتی علیه شاه ترتیب دادند که به برخورد بین پلیس و تظاهرکنندگان انجامید. (۱۳۸) شاه، بیشتر مخالفان را مارکسیست هرج و مرج طلب خواند. (۱۳۹) تسامح آمریکا در برگزاری تظاهرات ضدشاه در آمریکا، شاه را دچار سردرگمی نمود و گمان برد این احساسات از سوی آمریکا حمایت می‌شود. (۱۴۰) کارتر، علی‌رغم شعارهای انتخاباتی‌اش، نسبت به این اعتراضها، واکنشی نشان نداد.

با وجود تلاش شاه مبنی بر این که روند افزایش فضای باز آرام صورت گیرد، اعتراض مردم سرعت بیشتری به خود گرفت. (۱۴۱) «سیاست حقوق بشر کارتر این تصور را در داخل ایران رواج بخشید که رویه‌ی گذشته واشنگتن مبنی بر حمایت بی‌قید و شرط از شاه تغییر کرده و کارتر، شاه را برای انجام اصلاحات در ساختار سیاسی زیر فشار قرار داده است.» (۱۴۲) این گونه بود که روحیه‌ی برخی مخالفان که گوشه‌چشمی به آمریکا داشتند، تقویت شد و تصویر شکست‌ناپذیری شاه از بین رفت. (۱۴۳)

رشته به هم پیوسته‌ای از اعتراضات آغاز شد. در پائیز مخالفان بر اقدامات خود افزودند. نامه‌ها، اطلاعیه‌ها و بیانیه‌هایی از سوی کانون نویسندگان، قضات، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، کانون وکلا، حقوقدانان، سازمان ملی دانشگاهیان، انجمن تجار، بازرگانان و پیشه‌وران و انجمن طلاب انتشار یافت. بسیاری از این انجمن‌ها در این زمان موجودیت یافتند و بسیاری از آنها، سازمان ملل و افکار عمومی را در خارج‌ای کشور در جریان وضعیت داخلی ایران قرار دادند. (۱۴۴) «سازمان‌های سیاسی قدیم و جدید نیز با مشاهده‌ی پیدایش و فعالیت گروه‌های حرفه‌ای و طرفدار حقوق بشر، کم‌کم به صحنه آمدند.» (۱۴۵) کریم سنجابی، از اعضای جبهه ملی، اذعان دارد در سایه‌ی باز شدن فضای سیاسی، طیف‌های مخالف فعالیت‌های خود را آغاز کردند. (۱۴۶) مخالفان هر چه به جلو پیش می‌رفتند، خواسته‌های بیشتر و مهم‌تری را مطرح می‌کردند. (۱۴۷) «تا اواخر آبان ۱۳۵۶، فعالیت‌های عمده‌ی مخالفان عبارت بود از: نوشتن نامه، تشکیل گروه‌های جدید، احیای گروه‌های قدیمی و انتشار بیانیه، اعلامیه و روزنامه. اما در اواخر آبان ماه به خیابان‌ها ریختند و مرحله‌ی جدیدی از روند انقلاب را آغاز کردند.» (۱۴۸) تظاهرات به صورت پراکنده و محدود توسط دانشجویان به مناسبت‌های دانشجویی یا اعتراض به سفر سادات به اسرائیل انجام گرفت.

تظاهرکنندگانی که دستگیر می‌شدند، به زودی تبرئه می‌شدند. این رویه باعث کاهش قدرت و ابهت ساواک در نزد مردم شد. (۱۴۹) «بدین ترتیب ثابت شد که سیاست تعدیل نظارت و گسترش فضای باز سیاسی نه یک مُسکّن سیاسی بلکه محرکی نیرومند بوده است.» (۱۵۰) در اواسط آذر ۱۳۵۶، ۲۱ نفر زندانی امنیتی به مناسبت سالروز اعلامیه حقوق بشر آزاد شدند. (۱۵۱)

کارتر در سفر به ایران در شب اول سال نو مسیحی، (۱۵۲) ایران را جزیره‌ی ثبات در یکی از آشوب‌زده‌ترین مناطق

جهان خواند. (۱۵۳) «سخنان او دلیلی مستند بر حمایت های آمریکا از شاه بود.» (۱۵۴) او در ادامه گفت: «هیچ کشور دیگری در جهان برای برنامه ریزی امنیت نظامی مشترک از ایران به ما نزدیکتر نیست. هیچ کشور دیگری برای بررسی مشکلات منطقه ای که مورد علاقه هر دو طرف ما نیز هست، ارتباط نزدیکتری از ایران با ما ندارد. و هیچ رهبر دیگری نزد من احترامی عمیق تر و رابطه ای دوستانه تر از شاه ندارد.» (۱۵۵) بدین صورت سیاست تبلیغاتی حقوق بشر کارتر، در مقابل منافع نامشروع آمریکا رنگ باخت. حتی رادیو لندن در تفسیری که در این زمینه داشت از این که کارتر صحبتی از حقوق بشر به میان نیاورده ابراز تعجب کرد. (۱۵۶) «نگرانی های واقعی وی، باید به نفع منافع اقتصادی و استراتژیک این کشور در ایران تعدیل می شد. از این رو، سخنان و اصول بشردوستانه ی مدیریت وی و سیاست خارجی واقعی آن کاملاً از هم جدا شد و تقریباً جنبه ای ریاکارانه به خود گرفت.» (۱۵۷)

#### بختیار

کمی پس از این ملاقات، مقاله ای اهانت بار از سوی رژیم علیه امام خمینی، رهبر محبوب مذهبی، منتشر شد که غوغای زیادی به پا کرد و منجر به قیام خونین ۱۹ دی قم شد. (۱۵۸) درباره ی انگیزه شاه از انتشار این مقاله چند دلیل وجود دارد. دلیل اول این است که او با کسب اطمینان کامل از حمایت کارتر، دستور انتشار آن را داد. (۱۵۹) و دیگر این که، شاید او می خواست با این کار مخالفین را مانند اوایل دهه ی ۴۰ به میدان بکشد تا به کارتر نشان دهد با دادن آزادی و فضای باز، ثبات سیاسی در ایران به خطر می افتد. (۱۶۰) «غافل از آن که این مرتبه با افزایش و رشد آگاهی های مردمی و صلابت و اقتدار فزاینده رهبری انقلاب کنترل امور از دست عوامل نظام تحت سلطه خارج و موجب پیروزی انقلاب اسلامی خواهد شد.» (۱۶۱) هر دلیلی که داشت، شاه خود بازی خطرناکی را آغاز کرد و آتش انقلاب شعله ورتر شد.

بعد از قیام ۱۹ دی، آمریکا به سفارت خود در ایران توصیه کرد در زمینه ی بهبود حقوق بشر با شاه و دیگر مسئولان صحبت شود، ولی در این زمینه به تغییر سیستم سیاسی نیازی نیست؛ چون یک نوع دخالت خارجی تلقی می شود و تصویری بد از ایران، موقعیت ایران را در آمریکا و دیگر مناطق به خطر می اندازد. (۱۶۲) پس از قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم، زنجیره ای از قیام ها و چهلیم های خونین آغاز گردید (۱۶۳) که نهایتاً رژیم را به ورطه ی سقوط کشاند. در این میان شاه دست به اقدامی ناممکن زد. از یک سو سعی کرد کمی آزادی بدهد و از سوی دیگر جلوی این آزادی را می گرفت. (۱۶۴) او در روند آزادسازی، وعده ی انتخابات آزاد را داد و نعمت الله نصیری رئیس ساواک را برکنار نمود. در عین حال سعی کرد از فعالیت های مخالفان جلوگیری کند. (۱۶۵) در بهمن ماه ۱۳۵۶، سازمان ملل قطعنامه ای بر ضد اعمال شکنجه به تصویب رساند که ایران جزو تهیه کنندگان آن بود. (۱۶۶) رژیم با این اقدامات، می خواست خود را مبرا جلوه دهد.

در اواخر بهمن اعلام شد که صدها زندانی تا قبل از عید در دو مناسبت آزاد می شوند. (۱۶۷) ونس می گوید: «ما از اقداماتی که شاه در جهت رعایت حقوق بشر و محدود ساختن اقدامات غیرقانونی ساواک آغاز کرده بود، استقبال کردیم. او همچنین اقداماتی در جهت تأمین آزادیهای سیاسی و جلب عناصر معتدل گروه های مخالف برای همکاری با رژیم آغاز کرد، که هر چند دیر بود از پشتیبانی ما برخوردار گردید.» (۱۶۸) در این مدت هیچ گونه اعتراض جدی ای از سوی کارتر به شاه برای نقض حقوق بشر مشاهده نشد. فقط از سوی سولیوان به شاه پیشنهاد شد تا از سیاست مشت آهنین دست بردارد و سعی کند بحران را مسالمت آمیز حل کند. (۱۶۹)

پس از حادثه سینما رکس آبادان، (۱۷۰) شاه تسلیم نظر واشنگتن شد و برای آرام سازی، آموزگار را برکنار و جعفر شریف امامی را با شعار «آشتی ملی» بر سر کار آورد. شریف امامی اصلاحات زیادی صورت داد. (۱۷۱) اصلاحات او، باعث بروز اعتراضات وسیع تری شد. (۱۷۲) شاه در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ وعده ی انتخابات آزاد را داده بود. (۱۷۳) رژیم، همراه با این اصلاحات در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، دست به کشتار مردم زد. اتخاذ رویه ی دوگانه از سوی رژیم، امکان هر گونه سازشی را از سوی مردم از بین برد. (۱۷۴) کارتر از کمپ دیوید مراتب حمایت خود را از شاه با تلفن به اطلاع او رساند. (۱۷۵) شاه مجبور شد پس از آن، ۱۴۰۰ زندانی را آزاد و قدرت ساواک را محدود کند. (۱۷۶) در ضمن، اعتصابات، تظاهرات و راهپیمایی ها شدت بیشتری پیدا کردند. (۱۷۷)

سیاست آمریکا در این مرحله، دارای تناقض است. از یک طرف سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) اعلام کرد ایران در وضعیت انقلابی قرار ندارد و از طرف دیگر سفارت آنها در ایران سعی کرد با مخالفین ارتباط بیشتری بگیرد. (۱۷۸) «به موازات هر چه بیشتر فرو رفتن ایران در تنش و آشوب، اختلاف نظرات بین مدیران اجرایی کارتر نیز عمیق تر شد.» (۱۷۹) وزارت امور خارجه خواهان واگذاری امتیازات بیشتر به مخالفان، و شورای امنیت آمریکا خواهان برخوردی جدی بود. (۱۸۰) کارتر در این زمینه می گوید: «من پیامی برای او [شاه] فرستادم و ضمن آن تأکید کردم که ما از هر تصمیمی که وی برای مقابله با بحران اتخاذ نماید، حتی تشکیل یک دولت نظامی پشتیبانی خواهیم کرد.» (۱۸۱) سرانجام شاه، ژنرال غلامرضا ازهاری را به ریاست دولت نظامی منصوب کرد. (۱۸۲) شاه، بعدها به امیراصلاح افشار، رئیس کل تشریفات دربار، گفت علت انتخاب ازهاری فشار سفرای آمریکا و انگلیس بود. (۱۸۳) تضاد نظرات در آمریکا، در ایران به نحو بارزی جلوه گر شد. ازهاری در حالی نخست وزیر دولت نظامی شد که اجازه ی نامحدود سرکوب و خونریزی را نداشت. (۱۸۴) شاه نیز طی پیامی اعلام کرد صدای انقلاب را شنیده است. (۱۸۵) او حتی ۱۱۲۶ تن از زندانیان سیاسی را عفو کرد. (۱۸۶) ازهاری به اقدامات اصلاحی دیگری دست زد. از جمله دستور دستگیری نصیری و هویدا را صادر کرد. (۱۸۷) در این حال، شورای امنیت ملی آمریکا استفاده شاه از قدرت را مورد تأیید قرار داد و در مقابل، وزارت خارجه به ایران بدون شاه می اندیشید. (۱۸۸) «زیرا واشنگتن یک روز از تعهدش به حقوق بشر سخن می گفت و روز بعد بر ضرورت ثبات تأکید می کرد و اهمیت روابط ویژه ی آمریکا را با شاه مجدداً یادآوری می کرد.» (۱۸۹)

کمی پس از ۱۷ شهریور، کارتر «از جرج بال، معاون پیشین وزارت خارجه و لیبرال منتقد شاه، خواست تا گزارشی درباره ی بحران ایران برای کاخ سفید تهیه کند... بال در گزارش خود نوشت که شاه در قدرت باقی نخواهد ماند مگر اینکه قدرت خود را به سرعت تعدیل کند و از حضور نظامیان در حکومت بکاهد.» (۱۹۰) زمانی که در ۷ دسامبر ۱۹۷۸، از کارتر در مورد امکان بقای شاه سؤال شد، او گفت: «من نمی دانم. امیدوارم که این طور بشود. این چیزی است که به دست مردم ایران است. ما هیچ گاه قصد وارد شدن در امور سیاسی داخل ایران را نداشتیم و نداریم.» (۱۹۱) شاه با شدت یافتن اوضاع، نظر آمریکا را در مورد استفاده از سیاست مشیت آهنین جویا شد. (۱۹۲) پاسخی که به شاه داده شد، این بود که زمانی که دولت در برقراری نظم ناکام شود می تواند از آن بهره بگیرد. (۱۹۳) کارتر درباره ی نظرخواهی های شاه از آمریکا می گوید: «باید بگویم که شاه تسلیم پیشنهادهایی بود که از سفارت ما انشاء می شد.» (۱۹۴) شاه با موافقت واشنگتن با برخی رهبران جبهه ملی گفتگوی بی سرانجامی انجام داد. (۱۹۵) دست آخر، و پس از آنکه نتوانست موافقت هیچ شخصیت مخالف برجسته ای را برای تشکیل دولت جلب کند، به ناگزیر تصمیم گرفت شاپور بختیار را به نخست وزیری بگمارد که شرط او برای نخست وزیری خروج شاه از ایران بود. (۱۹۶) البته، قبلاً پیامی از واشنگتن برای شاه مبنی بر لزوم ترک کشور رسیده بود. (۱۹۷) امیراصلاح افشار، مدعی است که

شاه قصد خروج از کشور را نداشت و بالاچار به این خواسته تن داد. (۱۹۸) تصمیم به خروج شاه در کنفرانس گوادلوپ گرفته شده بود؛ کنفرانسی که در آن سران چهار کشور آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه شرکت داشتند. (۱۹۹)

واشنگتن طی پیامی حمایت خود را از بختیار اعلام کرد. (۲۰۰)

بختیار هم اصلاحات دیگری صورت داد. (۲۰۱) ولی برای دوام رژیم نتیجه بخش نبود. موضوعی که پس از رفتن شاه موجب نگرانی بود این بود که احتمال فروپاشی ارتش می رفت. (۲۰۲) کارتر برای حل بحران، ژنرال رابرت هایزر را به ایران اعزام نمود. (۲۰۳) «هدف اصلی مأموریت هایزر، در پرده ای از ابهام قرار دارد.» (۲۰۴) در این زمینه دو فرضیه وجود دارد. یکی این که جلوی کودتای خودسرانه افسران را بگیرد و دیگر این که ارتش را وادار به حمایت از بختیار کند. او نیز دستورهای متضادی از آمریکا دریافت می کرد. (۲۰۵) پیام هایی که از واشنگتن برای هایزر و سولیوان ارسال می شد با هم در تضاد بود. (۲۰۶) سولیوان در این باره می گوید: «... بعضی اوقات دستوراتی که به من و هایزر داده می شد به قدری با هم متفاوت بود که گویی ما با دو شهر مختلف یا مقامات دو کشور مختلف صحبت کرده ایم.» (۲۰۷)

«... تنها چند روز پس از رسیدن بختیار به قدرت، سولیوان با بازرگان و نمایندگان روحانیون دیدار کرد. سولیوان به دنبال آن دیدار، بازرگانان را ترغیب کرد تا به منظور تسهیل زمینه های انتقال آرام قدرت به انقلابیون، با قره باغی، رئیس ستاد نیروهای مسلح، دیدار کند...» (۲۰۸)

پس از کشمکش های طولانی، امام خمینی وارد ایران شدند و پس از ده روز انقلاب اسلامی به ثمر رسید. (۲۰۹) در گرماگرم انقلاب در ایران، توجه واشنگتن معطوف به قرارداد کمپ دیوید و مذاکرات اعراب و اسرائیل بود. (۲۱۰)

از زمانی که شاه تصمیم گرفت تغییراتی در سیستم سیاسی به منظور آزادسازی ایجاد کند، فقط مایل به اعطای محدود فضای سیاسی بود و حاضر نبود به تقسیم قدرت بپردازد. (۲۱۱) از این گذشته شاه در پی دادن آزادیهای مستمر و دمکراتیزه کردن کشور نبود و به صورت مقطعی این سیاست را دنبال می کرد. (۲۱۲) در نهایت نیز او نتوانست آنچه را که از دموکراسی و فضای باز سیاسی مد نظر داشت پیاده کند. به ویژه، حزب رستاخیز و احزاب قبل از آن با شکست روبرو شده بودند. (۲۱۳) شاه تا روزهای پایانی نزدیک به سقوطش نیز به سیاست حقوق بشر کارتر اعتقادی نداشت. او معتقد بود مشکلاتی که برایش ایجاد شده منشأ خارجی دارد. (۲۱۴) شاه وجود آزادی را مترادف اغتشاش و هرج و مرج می دانست. (۲۱۵)

کارتر واقعاً در پی آن نبود که به تغییر کامل سیستم سیاسی بپردازد. فقط می خواست کمی اصلاحات صورت بگیرد تا در سایه ی آن منافع آمریکا تأمین شود و رژیم ثبات یابد. اما شاه، گمان می برد فقط اصلاحات بزرگ و جدی است که آمریکا را راضی می کند. او در روزهای نزدیک به سقوطش آن اندازه به خارجی ها بدبین بود که گمان می برد آنها در صدد حذف او هستند. (۲۱۶)

شاپور بختیار، آخرین نخست وزیر دوران پهلوی، مانند بسیاری دیگر از طرفداران بقای رژیم، آمریکا و به خصوص کارتر و سیاست حقوق بشر او را در جریان وقوع انقلاب مقصر قلمداد کرده است. (۲۱۷) کریم سنجابی از اعضای جبهه ملی نیز، سیاست حقوق بشر کارتر را عاملی در به راه افتادن جنبش ضدشاه می داند. (۲۱۸) حتی احسان نراقی، معتقد است «عدم حمایت آمریکا از شاه انقلاب را عملی کرد.» (۲۱۹) او در ادامه می گوید: «بدون شک اگر آمریکای زمان کارتر نظیر آمریکای زمان نیکسون از شاه حمایت بی دریغ می کرد، معلوم نبود انقلاب ایران چه صورتی به خود می گرفت.» (۲۲۰) می توان گفت، سیاستی که کارتر در قبال ایران در پیش گرفت، موجب نارضایتی شاه و رژیم او و همین طور انقلابیون گردید «... زیرا سیاست نیم بند او نه دولت های مرتجع را راضی می کرد و نه انبوه مردم آزادیخواه

را.» (۲۲۱) در واقع، از موقعی که موج انقلاب شدت و خروش بیشتری یافت، سیاست حقوق بشر را تحت الشعاع خود قرار داد و واشنگتن جز نجات شاه به مسئله ی دیگری نمی اندیشید.

### نتیجه گیری

کارتر در شرایطی روی کار آمد که مدت ها بود آمریکا به دلیل بحران واترگیت و جنگ ویتنام از وجهه ی عمومی خوبی در دنیا برخوردار نبود و لازم بود در سیاست های خارجی خود کمی تجدیدنظر کند. ایران و آمریکا در دوران پهلوی روابط گسترده و عمیقی داشتند، به همین دلیل، تحولات آمریکا بر روی سیاست گذاری ها در ایران تأثیرگذار بود. قبل از انتخابات، شاه تلاش خود را به کار گرفت تا از به قدرت رسیدن کارتر جلوگیری کند. با وجود این، کارتر با سیاست حقوق بشر روی کار آمد. سیاست خارجی ای که او در رابطه با ایران در پیش گرفت، ادامه ی سیاست خارجی گذشته بود. آمریکا برای تأمین منافع خود در ایران اصلاحاتی را توصیه می کرد که باعث ثبات و دوام حکومت ایران شود. یک حکومت قوی و خوشنام می توانست حافظ منافع آمریکا باشد. ایران به عنوان متحد آمریکا می بایست به اصلاح وجهه ی خود می پرداخت. او، از همان ابتدا تا سقوط شاه مرتب بر وضعیت حقوق بشر در ایران تأکید می کرد، منتها این امر با فشار جدی از سوی آمریکا همراه نبود و کماکان به حمایت از شاه پرداخت و به فروش اسلحه به شاه نیز ادامه داد. این گونه بود که تشدید سیاست فضای باز سیاسی در ایران مطرح شد. شرایط داخلی ایران، در این زمان آماده ی انقلاب بود. انقلابیون و مخالفین، از شرایط جدید به بهترین وجه بهره برداری کردند. با هر قدمی که شاه در برابر اعتراضات و ناراضیاتی های داخلی و فضای تبلیغاتی خارجی برای دادن کمی آزادی و تغییر صوری در شیوه های مواجهه با مخالفان برمی داشت، انقلابیون به فراگیری انقلاب نزدیک تر می شدند. مسلماً آمریکا مایل نبود در ایران انقلاب شود؛ چون با منافعش در تضاد بود. واشنگتن در هنگام بروز بحران در ایران، نتوانست راه حلی به شاه ارائه دهد، بلکه تصمیمات و سیاست های دوگانه ای که از آمریکا می رسید. باعث تردید و تزلزل در شاه بیمار گردید و او را در تصمیم گیری دچار مشکل ساخت. به حدی که از او هم، تصمیمات متضاد سر می زد. کارتر، حتی در روزهای پرتنش و آشوب که منجر به خشونت رژیم می گردید، شاه را محکوم ننمود. در روزهای پایانی عمر رژیم، سیاست حقوق بشر کارتر تحت الشعاع وضعیت انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت. این تحلیل که سیاست حقوق بشر کارتر، مستقیماً باعث سقوط شاه و سلسله پهلوی شده باشد، تحلیل درستی نیست. این سیاست، فقط شرایطی را فراهم کرد تا نیروهای خفته ی مخالف، بیدار شوند و نهضت فراگیر شود. شاه در ابتدا گمان می برد این طرز برخورد آمریکا، اهرمی است برای این که حمایت از او منوط به تغییر در سیاستهای داخلی شود. و در روزهای پایانی، با بدبینی کامل، تقریباً اطمینان یافته بود که خواهان برداشتن او از سلطنت هستند. دست آخر، کارتر نتوانست اهدافی را که با اجرای سیاست حقوق بشر مدنظر داشت در ایران اجرا کند و سیاست او برای آمریکا و رژیم شاه شکست خورد و در ایران، پیروزی انقلاب اسلامی محقق گردید.

### پی نوشت ها:

۱. شکل گیری انقلاب اسلامی (از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی)، محسن میلانی، ترجمه ی مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو، چاپ پنجم، ۱۳۸۷، ص ۲۰۲.
۲. ۲۵ سال حاکمیت آمریکا بر ایران، جواد منصوری، بی جا، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۴، ص ۱۵۵.
۳. تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی، دکتر علیرضا امینی، تهران: صدای معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۳۹.
۴. ۲۵ سال حاکمیت آمریکا بر ایران، پیشین، ص ۱۵۵.

۵. بیماری شاه و دولت های غربی، دکتر دیوید اوئن، ترجمه: دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۲۲، شماره ۱۱ و ۱۲، تهران: اطلاعات، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، ص ۱۱۶.
۶. واترگیت نام ساختمانی بود که دفتر حزب دمکرات (حزب رقیب نیکسون) در آن قرار داشت و به دستور نیکسون در آن میکروفن و دوربین مخفی کار گذاشته بودند.
۷. سازمان های جاسوسی دنیا، احمد ساجدی، تهران: محراب قلم، چاپ ششم، زمستان ۱۳۶۶، صص ۱۱۲-۱۰۹.
۸. شکل گیری انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۲۰۲، نک: مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، دکتر منوچهر محمدی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷، ص ۱۳۰.
۹. سایه های قدرت (شورای روابط خارجی و افول آمریکا)، جیمز پرلاف، مترجم: کریم میرزایی، تهران: مؤسسات خدمات فرهنگی رسا، چ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۱۵؛ نک: مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، پیشین، ص ۱۳۰.
۱۰. تحولات سیاسی در ایالات متحده آمریکا، یان داری ش، مترجم: رحیم قاسمیان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۸۷.
۱۱. تحولات سیاسی خارجی آمریکا، مداخله گرایی و گسترش؛ ۱۹۹۷ - ۱۹۴۵، دکتر ابراهیم متقی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۷۶، ص ۷۳.
۱۲. روند سلطه گری، استفن آمبروز، (تاریخ سیاست خارجی آمریکا ۱۹۸۳ - ۱۹۳۸)، ترجمه: احمد تابنده، تهران: چ سوم، مهر ۱۳۶۸، ص ۳۹۹.
۱۳. تحولات سیاست خارجی آمریکا، پیشین، ص ۷۴.
۱۴. روند سلطه گری، پیشین، ص ۳۹۹.
۱۵. عقاب و شیر، جیمز بیل، مهوش غلامی، ج ۱، تهران: نشر کوبه، چ اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۳۶۱.
۱۶. نقش حقوق بشر در هژمونی آمریکا، عبدالله قنبرلو، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۱۹، شماره ۷ و ۸، تهران: اطلاعات، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۱۷.
۱۷. عقاب و شیر، جیمز بیل، مهوش غلامی، پیشین، ص ۳۶۱.
۱۸. پیشین، ص ۳۶۱.
۱۹. روند سلطه گری، پیشین، ص ۴۰۵.
۲۰. تحولات سیاست خارجی آمریکا، پیشین، ص ۷۴، نک: تحولات سیاسی در ایالات متحده آمریکا، پیشین، صص ۱۸۸-۱۸۷.
۲۱. خاطرات دو سفیر، (ضمیمه، مقاله سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا)، ترجمه محمود طلوعی، تهران: انتشارات علم، چ سوم، ۱۳۷۵، ص ۴۶۳؛ نک: عقاب و شیر، جیمز بیل، ج ۱، تهران، ص ۳۶۱.
۲۲. خاطرات دو سفیر، (مقاله سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا)، پیشین، ص ۴۶۳.
۲۳. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۰)، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، چ سوم ۱۳۷۵، ص ۴۶۴.
۲۴. سقوط دوستان، ایالات متحده آمریکا و تغییر حکومت ها در کشورهای خارجی، مارتین استانی لند، ترجمه: بدرالزمان شهبازی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۸، چ اول، صص ۱۱۱-۱۱۰.
۲۵. خاطرات دو سفیر، (مقاله سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا)، پیشین، ص ۴۶۳؛ نک: آمریکا در بند، پیر سالیانجر، تهران: کتاب سرا، دی ۱۳۶۲، بی تا، ص ۱۸.

۲۶. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، پیشین، ص ۲۷.
۲۷. خاطرات دو سفیر (مقاله سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا)، پیشین، ص ۴۶۶.
۲۸. پیشین، ص ۴۶۶.
۲۹. پیشین.
۳۰. کارتر و سقوط شاه (روایت دست اول)، مایکل لدین - ویلیام لوئیس، ترجمه: ناصر ایرانی، تهران: امیرکبیر، چ سوم ۱۳۶۳، ص ۴۳.
۳۱. شکل گیری انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۲۰۲.
۳۲. پیشین.
۳۳. ۴۴۴ روز (ماجرای گروگان های آمریکایی در ایران)، خاطرات جیمی کارتر، ترجمه: احمد باقری، تهران: انتشارات هفته، آبان ۱۳۶۱، ص ۱۰.
۳۴. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، مترجمان: احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فناحی و لیلایی، تهران: نشر نی، چ پانزدهم ۱۳۸۸، ص ۶۱۷.
۳۵. کارتر و سقوط شاه، پیشین، ص ۴۵.
۳۶. چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پروفیسور روح الله رضانی، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چ اول ۱۳۸۰، ص ۵۸.
۳۷. کارتر و سقوط شاه، پیشین، صص ۴۶ - ۴۵.
۳۸. ۴۴۴ روز، خاطرات جیمی کارتر، پیشین، صص ۱۱ - ۱۰.
۳۹. آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر ذهن آویز، تهران، چ شانزدهم ۱۳۸۷، ص ۱۵۲؛ نک: من و خاندان پهلوی، احمدعلی مسعود انصاری، تنظیم و نوشته ی محمد برقعی، حسین سرفراز، تصحیح و مقدمه از دکتر حسین ابوترابیان، تهران: فاخته، چ دوم ۱۳۷۱، ص ۶۵، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (۱۳۵۷ - ۱۳۰۰)، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، چ سوم ۱۳۷۵، ص ۴۶۱.
۴۰. سقوط دوستان، تهران، پیشین، صص ۱۱۱ - ۱۱۰؛ نک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ی ایران (از کودتا تا انقلاب)، سرهنگ غلامرضا نجاتی، ۲ جلد، ج ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ هفتم ۱۳۸۴، صص ۱۹ - ۱۸.
۴۱. پیشین، ص ۱۱۸.
۴۲. در خدمت تخت طاووس، یادداشت های روزانه آخرین سفیر شاه در لندن، پرویز راجی، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: انتشارات طرح نو، چ اول ۱۳۸۱، ص ۴۱؛ نک: روزشمار روابط ایران و آمریکا غلامرضا کرباسچی، تهران: بقیه، چ اول ۱۳۸۰، ص ۲۴۵.
۴۳. عقاب و شیر، ج ۱، پیشین، ص ۳۵۳؛ نک: روزشمار روابط ایران و آمریکا (۱۳۴۸ ق - ۱۳۷۷ ش/ ۱۸۳۲ - ۱۹۹۹ م)، به کوشش بهروز طیرانی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول ۱۳۷۹، ص ۲۳۲.
۴۴. یادداشت های امیر اسدالله علم، ج ۶، پیشین، ص ۱۴۵.
۴۵. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، پیشین، ص ۴۶۲؛ نک: روزشمار روابط ایران و آمریکا، غلامرضا کرباسچی، پیشین، ص ۲۴۹.
۴۶. رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، اردشیر زاهدی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی و زارات اطلاعات، چ اول، دی ۱۳۸۷، ص ۲۳۷.

۴۷. ۲۵ سال در کنار شاه، خاطرات اردشیر زاهدی، به کوشش ابوالفضل آتابای، تهران: عطایی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۵.
۴۸. روزشمار روابط ایران و آمریکا، به کوشش بهروز طیرانی، پیشین، ص ۲۳۲ (به نقل از روزنامه اطلاعات).
۴۹. عقاب و شیر، جیمز بیل، ج ۱، پیشین، ص ۳۵۳.
۵۰. مصاحبه شاه با مدیر دفتر خاورمیانه مجله آمریکایی بیزینس ویک، مجله خواندنیها، شماره ۱۸، ص ۳۷، شنبه ۲ بهمن ۱۳۳۵، صص ۴ و ۵۹ - ۵۷ (تاریخ مصاحبه: ۱۸ دی).
۵۱. پیشین.
۵۲. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۷؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۵.
۵۳. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، پیشین، صص ۱۴ - ۱۳.
۵۴. پیشین، ص ۱۷؛ نک: ایران بین دو انقلاب، پیشین، ص ۱۷.
۵۵. ایران بین دو انقلاب، پیشین، ص ۶۱۶.
۵۶. خاطرات دو سفیر، ص ۲۱.
۵۷. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۷.
۵۸. عقاب و شیر، جیمز بیل، ج ۱، صص ۳۴۶ - ۳۴۵.
۵۹. ایران و آمریکا: رویارویی یا تعامل؟ دکتر جواد اطاعت، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و سوم، ش یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۸، ۲۶۴ - ۲۶۳، مؤسسه اطلاعات، ص ۴.
۶۰. اسناد لانه جاسوسی، به کوشش: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ج ۷، تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، زمستان ۱۳۶۹، ص ۸۵.
۶۱. خاطرات دو سفیر (ضمیمه، مقاله سایروس ونس)، ص ۴۶۶.
۶۲. پیشین، ص ۱۱۸.
۶۳. پیشین، ص ۴۶۷.
۶۴. عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۵.
۶۵. پیشین، ج ۱، ص ۳۵۱.
۶۶. پیشین، صص ۳۵۳ - ۳۵۲.
۶۷. اسناد لانه جاسوسی، ج ۷، ص ۷۸.
۶۸. پاسخ به تاریخ، محمدرضا پهلوی، به کوشش شهریار ماکان، تهران: نشر البرز، چ دهم، پاییز ۱۳۸۸، ص ۳۰۷.
۶۹. مجله خواندنیها، س ۳۶، ش ۷۳، سه شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۵۵، ص ۴ (به نقل از روزنامه آیندگان).
۷۰. پیشین، س ۳۶، ش ۷۹، سه شنبه ۸ تیر ۱۳۵۵، ص ۲.
۷۱. پیشین، س ۳۶، ش ۹۴، شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۵۵، ص ۲.
۷۲. روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، ص ۲۳۵.
۷۳. روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، باقر عاقلی، ۲ جلد، ج ۲، تهران: گفتار، چ اول ۱۳۷۰، ص ۳۱۰.
۷۴. در خدمت تخت طاووس، صص ۳۶ - ۳۳.
۷۵. پیشین، ص ۳۸.
۷۶. روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، صص ۲۳۳ - ۲۳۲.
۷۷. پیشین، ص ۲۳۲.

۷۸. کارتر و سقوط شاه، پیشین، صص ۴۴-۴۳.
۷۹. پیشین، ص ۴۵.
۸۰. عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۴.
۸۱. کارتر و سقوط شاه، ص ۴۵.
۸۲. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۴۴.
۸۳. یادداشت های امیر اسدالله علم، ج ۲، ص ۴۴.
۸۴. روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، ۲۳۴.
۸۵. در خدمت تخت طاووس، ۱۳۸۱، صص ۵۸-۵۷.
۸۶. روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، صص ۲۳۶-۲۳۵.
۸۷. در خدمت تخت طاووس، ۱۳۸۱، صص ۵۸-۵۷.
۸۸. شکل گیری انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۲۰۵؛ نک: خاطرات دو سفیر (ضمیمه، مقاله سایروس ونس)، ص ۴۶۷.
۸۹. عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۶۸.
۹۰. خواندنیها، س ۳۷، شماره ۱۹، شنبه ۹ بهمن ۱۳۵۵، ص ۲.
۹۱. پیشین، س ۳۷، شماره ۲۱، شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۵۵، ص ۲.
۹۲. پیشین، س ۳۷، ش ۲۴، شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۵، ص ۳.
۹۳. ایران بین دو انقلاب پیشین، ص ۶۱۸؛ نک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۹.
۹۴. خواندنیها، س ۳۷، شماره ۲۶، شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۵۵، ص ۲.
۹۵. ایران بین دو انقلاب، پیشین، ص ۶۱۸.
۹۶. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله، ایران، ج ۲، ص ۱۹.
۹۷. عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۴.
۹۸. خواندنیها، س ۳۷، شماره ۳۹، شنبه ۴ تیر ۱۳۵۶ (مصاحبه شاه با ادوارد سابلیه مفسر فرانسوی).
۹۹. پیشین، س ۳۷، شماره ۲۶، شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۵۵، به نقل از مصاحبه شاه با روزنامه شیکاگو تریبون.
۱۰۰. عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۶.
۱۰۱. پیشین، ص ۳۵۶؛ نک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۹.
۱۰۲. عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۶؛ نک: پرواند آبراهامیان، ص ۶۱۸، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۲۰.
۲۰۶. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۶.
۱۰۳. ایران بین دو انقلاب اسلامی، ص ۲۰۶.
۱۰۴. خاطرات هادی غفاری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، تهران، اول، ۱۳۷۴، صص ۸۹-۸۸.
۱۰۵. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۹.
۱۰۶. خاطرات دو سفیر (مقاله سایروس ونس)، صص ۴۶۹-۴۶۸؛ نک: روزشمار روابط ایران و آمریکا، به کوشش بهروز طیرانی، ص ۲۴۲؛ شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۲.
۱۰۷. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۸.
۱۰۸. پیشین، ص ۶۱۸؛ نک: شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۲.
۱۰۹. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، صص ۲۹-۲۷.

۱۱۰. پیشین، ص ۵۶.
۱۱۱. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۴.
۱۱۲. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۵۶.
۱۱۳. پیشین، ص ۱۵۵.
۱۱۴. در حاشیه سیاست خارجی از دوران نهضت ملی تا انقلاب، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر آسیم، چ دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۸؛ تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۲۰.
۱۱۵. در حاشیه سیاست خارجی از دوران نهضت ملی تا انقلاب، پیشین، ص ۲۷۱؛ نک: ۲۵ سال در کنار شاه، ص ۲۹۶، روزشمار روابط ایران و آمریکا، به کوشش بهروز طیرانی، ص ۲۴۲.
۱۱۶. ۲۵ سال در کنار شاه، ص ۲۸۲.
۱۱۷. رجال عصر پهلوی، جمشید آموزگار به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، بهار ۱۳۸۲، چ اول، تهران، ص ۳۷۶.
۱۱۸. ۲۵ سال در کنار شاه، ص ۲۹۶.
۱۱۹. چهره هایی در آئینه (متن کامل خاطرات اشرف پهلوی)، به قلم: اشرف پهلوی، تهران: امیر مستعان، چ اول، ۱۳۸۱، صص ۲۴۹ - ۲۴۸.
۱۲۰. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، صص ۴۶۳ - ۴۶۲.
۱۲۱. پیشین، صص ۴۶۵ - ۴۶۴.
۱۲۲. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۶؛ نک: ایران بین دو انقلاب، صص ۶۱۹ - ۶۱۸.
۱۲۳. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، ص ۴۶۵.
۱۲۴. عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۶۸.
۱۲۵. از کاخ شاه تا زندان اوین، احسان نراقی، مترجم: سعید آذری، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ چهارم، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸.
۱۲۶. خواندنیها، ش ۲۴، س ۳۷، شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۵.
۱۲۷. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۲۱.
۱۲۸. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۳؛ نک: ایران بین دو انقلاب، صص ۶۲۱ - ۶۲۰.
۱۲۹. خاطرات دو سفیر (ضمیمه، مقاله ویلیام سولیوان)، ص ۱۱۱؛ نک: شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۳.
۱۳۰. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، صص ۱۱۲ - ۱۱۱؛ روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، ص ۲۴۵.
۱۳۱. خاطرات دو سفیر (ضمیمه، مقاله سایروس ونس)، ص ۴۷۱.
۱۳۲. حدیث بیداری، ص ۸۷.
۱۳۳. خواندنیها، س ۲۸، شماره ۱۰، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۵۶، ص ۳؛ نک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۴۷.
۱۳۴. خاطرات دو سفیر (خاطرات کارتر)، صص ۴۴۹ - ۴۴۸.
۱۳۵. پیشین، ص ۴۴۹.
۱۳۶. خواندنیها، س ۲۸، شماره ۱۰، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۵۶، ص ۲.

۱۳۷. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۵۴.
۱۳۸. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، صص ۱۲۴-۱۲۳؛ نک: خاطرات دو سفیر، (ضمیمه، مقاله سایروس ونس) ص ۴۷۲؛ ۴۴۴ روز، صص ۱۰-۹.
۱۳۹. خواندنیها، س ۲۸، شماره ۱۰، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۵۶، ص ۲.
۱۴۰. کارتر و سقوط شاه، ص ۲۸.
۱۴۱. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۲۱.
۱۴۲. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۶.
۱۴۳. پیشین.
۱۴۴. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۲۱.
۱۴۵. پیشین، ص ۶۲۲.
۱۴۶. خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی، تهران: صدای معاصر، چ اول، ۱۳۸۱، صص ۳۱۲-۳۱۱.
۱۴۷. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۲۲.
۱۴۸. پیشین، ص ۶۲۳.
۱۴۹. پیشین.
۱۵۰. پیشین.
۱۵۱. خواندنیها، س ۲۸، شماره ۱۳، سه شنبه ۱۹ آذر ۱۳۵۶، ص ۲.
۱۵۲. پیشین، س ۲۸، شماره ۱۷، سه شنبه ۱۷ دی ۱۳۵۶، ص ۲.
۱۵۳. آمریکا در بند، ص ۱۷؛ نک: خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۲۸؛ چره هایی در آئینه، ص ۲۵۰؛ آخرین سفر شاه، ص ۱۵.
۱۵۴. دیپلماسی ایران و تحولات تازه منطقه ای در خلیج فارس: تبدیل تهدیدها به فرصت ها، دکتر رضا سیمبر، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۱۹، شماره ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۲۲.
۱۵۵. آمریکا در بند، ص ۱۷، چهره هایی در آئینه، ص ۲۵۰.
۱۵۶. خواندنیها، شماره ۱۷، س ۲۸، سه شنبه ۱۷ دی ۱۳۵۶، ص ۱۶، تفسیر رادیو لندن.
۱۵۷. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۳.
۱۵۸. مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، دکتر منوچهر محمدی، تهران: نشر دادگستر، چ اول، پاییز ۱۳۷۷؛ نک: خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۳۲؛ ایران بین دو انقلاب، ص ۶۲۳، شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۱۱.
۱۵۹. ۲۵ سال در کنار شاه، ص ۳۰۵.
۱۶۰. پیشین، صص ۳۰۴-۳۰۵.
۱۶۱. مروری بر سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، صص ۱۳۲-۱۳۱.
۱۶۲. اسناد لانه جاسوسی، ج ۱، ص ۷۲.
۱۶۳. آخرین سفر شاه، ص ۱۵؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۲۴.
۱۶۴. شکل گیری انقلاب اسلامی، صص ۳۱۵-۳۱۴؛ نک: ایران بین دو انقلاب، صص ۶۲۹-۶۲۷.
۱۶۵. پیشین، ص ۲۱۴.

۱۶۶. خواندنیها، س ۲۸، شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، ص ۳.
۱۶۷. پیشین، س ۲۸، شماره ۲۳، شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، ص ۳.
۱۶۸. خاطرات دو سفیر (مقاله سایروس ونس) صص ۴۶۷ - ۴۶۶.
۱۶۹. شکل گیری انقلاب اسلامی، صص ۲۱۸ - ۲۱۷.
۱۷۰. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۱۷.
۱۷۱. پیشین، صص ۲۱۹ - ۲۱۸؛ نک: چهره‌هایی در آئینه، ص ۲۵۲؛ ایران بین دو انقلاب، ص ۶۳۴.
۱۷۲. چهره‌هایی در آئینه، ص ۲۵۳.
۱۷۳. پاسخ به تاریخ، ص ۳۲۲.
۱۷۴. شکل گیری انقلاب اسلامی، صص ۲۲۰ - ۲۱۹؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۳۴؛ خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۵۴.
۱۷۵. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۵۰؛ نک: شکست شاهانه، ویلیام شوکراس، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر ذهن آویز، تهران، ۱۳۸۷، چ شانزدهم، ص ۱۵.
۱۷۶. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۰.
۱۷۷. ایران بین دو انقلاب، صص ۶۳۹ - ۶۳۸.
۱۷۸. شکل گیری انقلاب اسلامی، صص ۲۲۲ - ۲۲۱.
۱۷۹. پیشین، ص ۲۲۴.
۱۸۰. پیشین.
۱۸۱. خاطرات دو سفیر (خاطرات جیمی کارتر)، ص ۴۵۱.
۱۸۲. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۰؛ نک: شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۵.
۱۸۳. شکست شاهانه، ص ۲۱.
۱۸۴. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۵.
۱۸۵. پیشین، ص ۲۲۶؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۰.
۱۸۶. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۰.
۱۸۷. پیشین. نک: شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۷؛ خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، صص ۱۷۰ - ۱۶۸؛ شکست شاهانه، ص ۲۹.
۱۸۸. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۷.
۱۸۹. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۱؛ نک: شکست شاهانه، ص ۲۳.
۱۹۰. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۶.
۱۹۱. تاریخ مستند روابط دو جانبه ایران و ایالات متحده آمریکا، یوناہ الکساندر - الن نانز، ترجمه: سعیده لطفیان و احمد صادقی، تهران: قومس، چ اول، ۱۳۷۸، ص ۶۶۷.
۱۹۲. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۳۲.
۱۹۳. پیشین.
۱۹۴. ۱۳۴۴ روز، ص ۱۵.
۱۹۵. ایران بین دو انقلاب، صص ۶۴۷ - ۶۴۶.

۱۹۶. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۳۲.

۱۹۷. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۰۹؛ نک: شکست شاهانه، ص ۲۹.

۱۹۸. شکست شاهانه، ص ۲۹.

۱۹۹. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۰۲؛ نک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، صص ۲۲۵-۲۱۳.

۲۰۰. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۲۰.

۲۰۱. ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۷.

۲۰۲. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۳۳.

۲۰۳. پیشین، ص ۲۳۴.

۲۰۴. پیشین.

۲۰۵. پیشین، صص ۲۳۵-۲۳۴.

۲۰۶. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۱۷.

۲۰۷. پیشین، ص ۲۰۹.

۲۰۸. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۴۳؛ نک: خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۳۲.

۲۰۹. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، صص ۳۶۷-۳۵۱.

۲۱۰. خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۵۶.

۲۱۱. شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۷.

۲۱۲. از کاخ شاه تا زندان اوین، احسان نراقی، مترجم: سعید آذری، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ چهارم، ۳۸۱، ص ۱۲۸.

۲۱۳. پاسخ به تاریخ، صص ۳۱۹-۳۱۷.

۲۱۴. پاسخ به تاریخ، ص ۲۰.

۲۱۵. پاسخ به تاریخ، صص ۳۱۶-۳۱۵.

۲۱۶. شکست شاهانه، ص ۲۲.

۲۱۷. خاطرات شاهپور بختیار، طرح تاریخ شفاهی ایران، مرکز مطالعات خاورمیانه، دانشگاه هاروارد، ویراستار: حبیب لاجوردی، تهران: زیبا، چ اول، ۱۳۸۰، صص ۹۲-۹۰.

۲۱۸. خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی، صص ۳۱۲-۳۱۱.

۲۱۹. در خشت خام، گفتگو با احسان نراقی، سیدابراهیم نبوی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چ پنجم، بهار ۱۳۷۱، ص ۷۹.

۲۲۰. پیشین، ص ۲۳۲.

۲۲۱. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، صص ۴۶۴-۴۶۳.

شماره ۲۶، یخ‌منبع مقاله: فصلنامه مطالعات تار